

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

همایون "باختریانی"

۲۶ اکتوبر ۲۰۱۶

تصحیح، تنظیم و شرح لغات: خ. معروفی

دیوان

"عبدالله شهاب ترشیزی هروی"

۱۸۸

مُقَطَّعات

۸۹

سر اعظمِ دهر، افتخار اهل قلم
زهی به شرح سخای تو، محتوی اذکار
بدان، که حامل این رقعہ سیدی ست عزیز
درین دیار، که اهلش همه، ز نااهلی
نشسته کیسه خالی، و دل پر از امید
چنان برو شده تاریک و تنگ خطه یزد
بدان سر است، که گر خرگی به دست آرد
به دستگیری او پایمردی فرمائی

جهان لطف و کرم، میرزا حبیب الله
زهی ز وصف عطای تو، ممتلی^۱ افواه
که بر شرافت ذاتش، سیادت است، گواه
به لطف سوی غریبان، نمی کنند نگاه
رفیق او همه اشک است و همدمش همه آه
که بهر یونس، ماهی و بهر یوسف، چاه
به جانب وطن خود قدم نهد، در راه
که راه خانه دراز است، و پای او کوتاه

^۱ این بیت در نسخه کتاب اصل موجود نیست.

^۲ الف اعازم

^۳ مگر اصل کلمه مناسب، "اعظم" است، که جمع: "اعظم" است؛ و در معنای "بزرگترین ها" است!!!
"ممتلی": (بر وزن "مقتدی" و "منتھی")، کلمه عربی و اسم فاعل باب "امتلاء" و در معنای "مملوء" و "مالامال". و "افواه" نیز کلمه عربی ست و در معنای "دهانها" - جمع "فوه" که در معنای "دهان" است

کرایه رهی و خرجی به او برسان
چو خود دهی، چه ستانی ز خان عالیجاه
به هر طریق، که دانی برآر حاجت وی
پس آنگی عوض خود، ز کردگار بخواه